

Estimating the Earnings Penalty and Foregone Income Function for Iranian Literary Authors; A Research in the Economics of Literature

Hamidreza Sheshjavani*

Esmail Kavousy**, Abbasali Ghayoumi***

Abstract

According to the statistics provided by the Book House of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, around 5,000 authors published their books of fiction or novel from 2017 to 2019. Although literary writers constitute a central position in the creative class, no comprehensive study has been conducted on their income and labor market characteristics yet. In cultural economics, authors are placed in the category of artists and their labor market characteristics are considered almost identical. Therefore, the studies on artists' labor markets can be employed to identify authors. The theoretical framework is taken from previous research on artistic labor markets and the data have been collected through in-depth interviews with 91 authors in Iran. Multiple regression analysis is carried out to estimate the income penalty function for authors. The findings show that the average income penalty of Iranian writers is 72%, compared to the average income of alternative jobs, and that they annually lose 108 million Toman (i. e., foregone income) because they ignore better-paid alternative occupations to continue being literary authors. The resulting equation proves that the foregone income increases as authors write in more genres, as the number of literary award jury memberships rises, and as they gain higher academic

* PhD Candidate in Cultural Policy-making, Islamic Azad University, Tehran North Branch, sheshjavani@cacima.ir

** Professor of Cultural Policy-making Group, Islamic Azad University, Tehran North Branch (Corresponding Author), ekavousy@yahoo.com

*** Associate Professor of Cultural Policy-making Group, Islamic Azad University, Tehran North Branch, ghayoomi@gmail.com

Date received: 2019/7/21, Date of acceptance: 2019/11/24

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

degrees. Foregone income also grows as authors' experience increases until 24 years, after which increasing the experience results in lower foregone income.

Keywords: Cultural Economics, Authors' Labor Markets, Earnings Penalty, Foregone Income, Psychic Income

Classification: Z11, J17

برآورد جریمة درآمدی و تابع درآمد از دست‌رفته نویسندگان ادبی در ایران؛ پژوهشی در اقتصاد ادبیات

حمیدرضا ششجوانی*

اسمعیل کاووسی**، عباسعلی قیومی***

چکیده

بر اساس تحلیل آمارهای خانه کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ بیش از ۵۰۰۰ نفر نویسنده داستان و رمان در کشور کتاب‌های‌شان را به چاپ رسانده‌اند. اگرچه نویسندگان ادبی عضو کانونی طبقه خلاق هستند؛ تا کنون مطالعه جامعی درباره درآمد و ویژگی‌های بازار کار آن‌ها انجام نشده است. در ادبیات اقتصاد فرهنگ نویسندگان را در دسته هنرمندان قرار می‌دهند و ویژگی‌های بازار کار آن‌ها را همانند می‌دانند، از این رو می‌توان مطالعات مربوط به بازار کار هنرمندان را برای شناخت نویسندگان نیز به کار گرفت. چارچوب نظری این مقاله برگرفته از مطالعات پیشین بازار کار هنرمندان است و داده‌های آن از طریق مصاحبه عمیق با ۹۱ نفر از نویسندگان کشور گردآوری شده است. روش به کار رفته در برآورد تابع درآمد از دست‌رفته نویسندگان تحلیل رگرسیون چندگانه است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد میانگین جریمة درآمدی نویسندگان کشور به نسبت میانگین درآمد شغل‌های جایگزین ۷۲٪ و میانگین سالانه درآمد از دست‌رفته آن‌ها حدود ۱۰۸ میلیون تومان است. معادله به دست آمده گواه این است که هرچه تعداد ژانرهایی که نویسنده در پروفایل کاری‌اش دارد، تعداد عضویت در هیئت داوران جایزه‌های ادبی و سطح تحصیلات نویسنده بیش‌تر باشد، جریمة درآمدی

* دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، sheshjavani@cacima.ir

** استاد گروه سیاستگذاری فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول)، ekavousy@yahoo.com

*** دانشیار گروه سیاستگذاری فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ghaiyoomi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۳

هم بالاتر است. قبل از ۲۴ سال تجربه با جریمه درآمدی افزایشی مواجه هستیم و پس از آن جریمه درآمدی کم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد فرهنگ، بازار کار نویسندگان، جریمه درآمدی، درآمد ازدست‌رفته، درآمد روانی

طبقه‌بندی JEL: Z11, J17

۱. مقدمه

درباره بازار کار نویسندگان ادبی و نیز خصوصیت‌های این بازار در ایران اطلاعات چندانی وجود ندارد و ویژگی‌های این بازار ناپژوهیده باقی مانده و به همان نسبت هم سیاست‌گذاری فرهنگی - اگر تنظیم شده باشد - بر مبنای گمان و تجربه‌های شخصی تعمیم‌ناپذیر مدیران دولتی بوده است. ویژگی‌های بازار کار نویسندگان در ادبیات اقتصاد فرهنگ، ذیل بازار کار هنرمندان بررسی می‌شود چرا که نویسندگی ادبی نوعی هنر به شمار می‌آید (Towse 2010: 5).

بازار کار نویسندگان ادبی چهار ویژگی بارز در هم‌تنیده و مرتبط به هم دارد که در چند دهه گذشته توجه اقتصاددانان فرهنگ را به خود جلب کرده است: (۱) در این بازار مازاد عرضه همیشگی نیروی کار وجود دارد، (۲) نویسندگان بیش از سایر صاحبان مشاغل چندین شغل هم‌زمان دارند، (۳) میزان جریمه درآمدی نویسندگان به نسبت سایر مشاغل بسیار بیش‌تر است و سرانجام (۴) در میان نویسندگان نابرابری درآمدی زیادی وجود دارد (Alper & Wassall 2006, Throsby & Petetskaya 2017, Menger 2006, Benhamou (2014, Towse 2011). این ویژگی‌ها نویسندگی را به شغلی با ریسک بالا تبدیل می‌کند و بازندگان این بازار هزینه‌های مالی فراوانی را متحمل خواهند شد.

از میان این ویژگی‌های کلیدی جریمه درآمدی عنصر مهمی در تعیین سیاست‌های حمایتی دولت خصوصاً از نوع تنظیمی (regulation policy) است. از این رو مقاله حاضر ضمن تخمین میزان جریمه درآمدی نویسندگان برآورد تابع «درآمد از دست‌رفته» (forgone income) آن‌ها را نیز به دست خواهد داد. در ادامه پس از بحث کوتاهی درباره ادبیات و سابقه تجربی موضوع، به کمک داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا جریمه درآمدی و سپس درآمد ازدست‌رفته نویسندگان ادبی کشور را به سه شیوه متفاوت برآورد خواهیم کرد و در نهایت جمع‌بندی ارائه خواهد شد.

۲. ادبیات موضوع

یکی از نتایج همیشگی و عمومی مطالعات بازار کار هنرمندان این است که میانگین درآمد شغلی که انتخاب کرده‌اند، در مقایسه با کارکنان دیگر با همان سطح از آموزش، بسیار پایین‌تر است (Towse 2014: 60). در بیشتر مطالعاتی که از سال‌های دهه ۸۰ میلادی به این سو انجام شده، چه در سرشماری‌ها، چه در مطالعات مقطعی و نیز در مطالعات طولی این نتیجه حاصل آمده است که میانگین درآمد هنرمندان در مقایسه با افراد شاغل در حرفه‌های دیگر کم‌تر است (MacDonald 1988, Alper & Wassall 2006, Frey 2017). برخی از محققین نیز معتقدند شواهد تجربی محکمی برای اثبات آن تقریباً در تمام کشورها و تمام رشته‌های هنری وجود دارد (Rengers 2002: 31).

میانگین درآمد ساعتی نویسندگان ایرانی در سال ۹۸ حدود ۱۳۶۰۰ تومان و میانگین درآمد ساعتی آن‌ها در مشاغل غیرهنری ۳۳۹۷۰ بوده است. این درحالی است که میانگین درآمد کارکنان دولت در همان سال ۳۴۶۶۰ تومان اعلام شده است (ششجوانی ۱۳۹۸: ۲۳). این تفاوت درآمد ساعتی میان نویسندگی و کار در سایر حرفه‌ها خود را در قالب مفهوم «جریمه درآمدی» نشان داده است. جریمه درآمدی تفاوت بین درآمد نویسندگان با درآمد شغل جایگزینی است که همان مهارت‌ها و توانایی‌ها را لازم داشته باشد. (Withers 1985: 291) این تفاوت در اساس «درآمد از دست‌رفته» نویسنده است. مطالعه رنجرز نشان داده این درآمد از دست‌رفته برای هنرمندانی که شغل هنری‌شان را رها کرده و شغلی بیرون از دایره مشاغل فرهنگی اختیار کرده‌اند بسیار ناچیز بوده است (Rengers 2002: 31).

اما چرا هنرمندان با وجود چنین جریمه‌هایی همچنان به کارشان ادامه می‌دهند؟ کار هنری جدای از پاداش‌های پولی، پاداش‌های غیرپولی زیادی را نصیب هنرمندان می‌کند. انتظار به دست آوردن پاداش‌های غیرپولی در آینده - که ناشی از لذت بردن از کار هنری، شکوفاندگی خود (self-actualization)، خودشناسی (self-discovery)، شناخته‌شدن (recognition) در میان همگان می‌شود - هنرمندان را علی‌رغم میانگین پایین درآمد مشغول به کار نگه می‌دارد (Popovic & Ratkovic 2013: 218). از نظر آدام اسمیت کارکنان جدای از درآمد جنبه‌های دیگری از کار را هم ارزش گذاری می‌کنند. او مفهوم «تفاوت‌های جبران‌کننده» (compensating differentials) را برای توضیح تفاوت دست‌مزد بین حرفه‌ها به کار می‌برد و معتقد بود می‌توان این پدیده را محاسبه کرد (Rengers 2002: 28). اخیراً اقتصاددانان این پاداش‌های غیرپولی کار را - که زمینه‌ساز این تفاوت‌ها است - «درآمد روانی» (psychic

(income) می‌نامند. اصطلاحی برای توصیف همه منافع غیر پولی حاصل از کار، مانند شهرت و قدرت است. این مفهوم از دهه ۱۹۸۰ میلادی علاقه نظری برخی از اقتصاددان را به خود جلب کرده است^۱ (Thurow 1981, Katz & Syquin 1982, Baumol & Throsby 2012). این نوع از درآمد تازه‌واردان بسیاری را به خود جلب می‌کند. به همین دلیل در مقایسه با سایر حرفه‌ها مازاد عرضه نیروی کار ایجاد می‌کند. از سوی دیگر هنرمندان (بیش‌تر جوانان) پاداش‌های آتی و شانس موفقیت خود را همواره بیش‌ازحد ارزیابی می‌کنند. همین نکته آن‌ها را در تحمل جریمه درآمدی شکنج‌تر می‌کند. در اساس این ارزیابی بیش‌ازحد موفقیت، هنرمندان را ریسک‌پذیرتر از شاغلین در سایر حرفه‌ها می‌کند (Bille, Mignosa & Towse 2020: 108).

انتظار به دست‌آوردن پاداش‌های غیر پولی با ویژگی دیگر بازار هنر یعنی «برنده صاحب همه چیز» (winner take-all) - یا نظام ستارگی - که ترکیب می‌شود انتظار پاداش‌های بزرگ مالی نیز به آن افزوده می‌شود (Towse & Navarrete 2020: 219-20) و می‌تواند علاوه بر ایجاد مازاد عرضه نیروی کار دست‌کم در سال‌های اولیه کار هنری، به هنرمندان جریمه‌های درآمدی فراوانی تحمیل کند. آدام اسمیت در ثروت ملل می‌نویسد: «ادیبان از زمره آن‌دسته از مردمان بی‌بازده‌اند و تعدادشان آن‌چنان زیاد است که لاجرم دست‌مزدشان ناچیز می‌شود.» (Smith 1779/2020: 60). این درآمد ناچیز در اساس جریمه درآمدی بیشتری را به خاطر انتخاب شغل هنری به همراه می‌آورد و باعث می‌شود تا هنرمندان (نویسندگان) این جریمه را با ساعات کار بیشتر و درآمد کم‌تر از مشاغل هم‌تا بپذیرند.

۳. سابقه مطالعات تجربی

مطالعات مختلف برآوردهای متفاوتی از میزان جریمه درآمدی هنرمندان گزارش کرده‌اند. بنامو این اختلاف‌ها را ناشی از تعریف هنرمند و زمان و مکان انجام مطالعه می‌داند (Benhamou 2011: 55). یکی از نخستین پژوهش‌ها را کریستین پاناسوک با استفاده از نمونه ملی پرشماری از هنرمندان نمایشی کانادا انجام داده و نتیجه گرفته درآمد هنرمندان به طور متوسط ۶٪ کمتر از نیروی کار به صورت کلی است (Panasuk 1974). در سال ۱۹۸۱ سازمان هدایای ملی هنر آمریکا پژوهشی را منتشر کرد و جریمه درآمدی هنرمندان آمریکایی مرد در سال ۱۹۷۶ را نسبت به میانگین نیروی کار حدود ۲۵٪ و برای زنان ۵۲٪ گزارش کرد (NEA 1981: 17).

برآورد جریمه درآمدی و تابع درآمد ازدست‌رفته ... (حمیدرضا ششجوانی و دیگران) ۱۳۳

ویدرز در سال ۱۹۸۵ گزارشی را منتشر کرد که بر اساس داده‌های درآمد هنرمندان استرالیایی در دو سال ۲-۱۹۸۱ تنظیم شده بودند. او جریمه درآمدی هنرمندان استرالیایی را ۴۲٪ اعلام کرد. وی مبلغ جریمه درآمدی - که از نظر او یارانه هنرمندان به دنیای هنر تلقی می‌شد - را پنج برابر کمک‌های مالی دولت به هنر در طول مدت مورد بررسی‌اش برآورد کرد (Withers 1985).

سال بعد رندال فیلر در مقاله‌ای جنجالی اعلام کرد جریمه درآمدی هنرمندان بسیار کم‌تر از چیزی است که پیش‌تر گزارش شده، او این استدلال را رد می‌کند که هنرمندان در کل دوره کاری‌شان جریمه درآمدی دارند و می‌گویند در گذر زمان درآمد هنرمندان امریکایی نسبت به باقی کارکنان با سرعت بیشتری، افزایش می‌یابد و جریمه درآمدی سال‌های نخست، طی سال‌های بعد جبران می‌شود. از روی ارقامی که فیلر ارائه کرده جریمه درآمدی هنرمندان نسبت به باقی کارکنان اندکی بیش از ۶٪ خواهد بود (Filer 1986: 62). بیش‌تر مطالعاتی که پس از این منتشر شده‌اند صحت نتایج فیلر را زیر سوال برده‌اند. ایننگ در سال ۲۰۰۳ مطالعات پیشین را به دلیل مقایسه درآمد هنرمندان با میانگین درآمد سایر شاغلین گمراه‌کننده می‌داند و جریمه درآمدی هنرمندان ۱۰۰٪ برآورد کرده‌است (Abbing 2003: 438).

کرتچمر و هاردویک در مطالعه‌ای که در مرکز مدیریت و سیاست‌گذاری مالکیت فکری CIPPM انجام داده‌اند جریمه درآمدی نویسندگان آلمانی را به نسبت میانگین درآمد سایر مشاغل ۵۰٪ و نویسندگان انگلیسی را ۳۳٪ اعلام کردند (Kretschmer & Hardwick 2007: 3). مطالعه مهم دیگر مطالعه آلپر و واسال بر اساس داده‌های شش سرشماری درآمد در ایالات متحد است که جریمه درآمدی را در سرشماری‌های مختلف در کم‌ترین حالت ۶٪ و در بیشترین حالت ۵۱٪ برآورد کرده‌اند (Alper & Wassall 2006: 856). مطالعه میرصفیان و همکاران درباره بازار کار مترجمان و عوامل مؤثر بر درآمد آن‌ها انجام دادند و میانگین جریمه درآمدی مترجمان ایرانی را ۶۷٪ اعلام کردند (Mir safian, Pirnajmudein, & Nejadansari 2020). در بیش‌تر کشورها مطالعات مقطعی و طولی درآمد بر اساس داده‌های سرشماری نیروی کار انجام می‌شود ولی با توجه به این که این نوع داده‌ها در کشور در اختیار پژوهش‌گران نیست، پیمایش یا مصاحبه با نمونه‌ای معرف از جامعه تنها راه است. به نظر می‌رسد پژوهش حاضر جزو اولین مطالعات در برآورد جریمه درآمدی نویسندگان کشور باشد.

۴. روش تحقیق

داده‌های این مطالعه از مصاحبه‌های عمیق با ۹۱ نویسنده ادبی حرفه‌ای در کشور استخراج شده که در فاصله تیرماه تا آبان سال ۱۳۹۹ انجام شده بودند. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS 23 تحلیل شده‌اند و روش کلیدی تحلیل، رگرسیون خطی چندگانه بوده است. جریمه درآمدی بر اساس پیشنهاد ویدرز از تقسیم درآمد از دست‌رفته بر میانگین درآمد سالانه شغل جانشین ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید (Withers 1985: 293):

$$EP = \frac{E(x) Alt ay - E(x) ay}{E(x) Alt ay} \times 100 = \frac{FG}{E(x) Alt ay} \times 100$$

EP: جریمه درآمدی

FG= درآمد از دست رفته

E(x) ay: میانگین درآمد سالانه نویسندگان

E(x) Alt ay: میانگین درآمد سالانه شغل جانشین

برای به دست آوردن تابع درآمد از دست‌رفته نویسندگان، به جهت همگن‌سازی واریانس از لگاریتم طبیعی درآمد از دست‌رفته به عنوان متغیر وابسته در رگرسیون چندگانه استفاده کردیم. البته تغییر متغیر وابسته به لگاریتم طبیعی در تفسیر ضرایب متغیرهای مستقل، مورد توجه قرار گرفته و فرضیات لازم، از جمله همخطی چندگانه (multicollinearity) متغیرهای مستقل، برای مدل رگرسیون آزمون شده است.

برای شناسایی جامعه مورد بررسی و تعیین نمونه متناسب با آن سه شرط تعیین کردیم. نخست دست کم ۳ سال از انتشار کتاب اول‌شان گذشته باشد، دوم حداقل دو کتاب منتشر کرده باشند که یکی از آن‌ها رمان باشد و سوم عضویت یکی از نهادهای حرفه‌ای ادبیات داستانی نظیر انجمن صنفی داستان‌نویسان را داشته باشند. بر اساس این شروط و فهرست اعضای نهادها لیستی از ۵۸۶ نویسنده ادبی تهیه شد. بر اساس نظریه حد مرکزی و نظر جانسون و باتاچاریا درباره حداقل نمونه معرف، ۹۱ نفر از واجدین شرایط به طور تصادفی برای شرکت در مصاحبه انتخاب شدند (Johnson & Bhattacharyya 2009). به خاطر شرایط همه‌گیری کرونا ۲۱ نفر از افراد انتخاب شده حاضر به مصاحبه نشدند که افراد دیگری جایگزین آن‌ها شدند. با ۱۹ نفر از نمونه‌های تحقیق که در استان‌های دورتری از محققان زندگی می‌کردند، با استفاده از پیام رسان واتس‌آپ و به صورت تصویری مصاحبه شد. متن برخی از سئوالات تحقیق در مصاحبه‌های آزمایشی تغییر یافتند.

۵. یافته‌ها

همان‌طوری که پیش‌تر در شیوه محاسبه جریمه درآمدی آمد، اولین قدم برای به دست آوردن جریمه درآمدی نویسندگان به دست آوردن معدل درآمد نویسندگان و بعد از آن معدل درآمد مشاغل جانشین بود. میانگین درآمد سالانه نویسندگان ادبی از راه نویسنده‌گی و مشاغل مرتبط پس از کسر هزینه‌های ضمنی^۲ شغل نویسنده‌گی ۲۲۳۴۴۰۰۰ تومان است. میانگین درآمد مشاغل جانشین را نیز از سه مسیر به دست آوردیم. اولین مسیر خوداظهاری نویسندگان بود. نویسندگان با توجه به (۱) تجربه کاری، (۲) مهارت، (۳) تحصیلات و (۴) توانایی‌های فردی خود، تخمین زدند که میانگین درآمد سالانه شغل جایگزین برای آنها چه قدر می‌توانست باشد. مسیر دوم محاسبه بر مبنای میانگین درآمد سالانه کارکنان دولت و مسیر سوم بر اساس میانگین درآمد سالانه معلمان ادبیات در دبیرستان‌های کشور بود.

۱.۵ تخمین جریمه درآمدی بر اساس سه روش

در مسیر اول که میانگین درآمد سالانه شغل‌های جانشین از نظر خود نویسندگان ۱۷۲۷۵۲۰۰۰ تومان بود جریمه درآمدی نویسندگان حدود ۸۰٪ خواهد بود. مسیر دوم بر اساس میانگین درآمد کارکنان دولت بود که بر اساس اعلام سازمان برنامه بودجه برای سال ۱۳۹۹ مبلغ ۷۳۲۰۰۰۰۰ بوده است. بر این اساس جریمه درآمدی نویسندگان در سال ۱۳۹۹ به نسبت کارکنان دولت حدود ۶۲٪ خواهد بود. مسیر سوم میانگین درآمد معلمان رسمی ادبیات در دبیرستان‌ها بود. بر اساس اعلام معاونت توسعه و مدیریت منابع وزارت آموزش و پرورش ۷۷۲۴۴۰۰۰ تومان در سال ۱۳۹۹ بوده است. بر این اساس جریمه درآمدی نویسندگان به نسبت معلمان رسمی ادبیات دبیرستان‌ها در کشور حدود ۶۴٪ بوده است. جریمه درآمدی نویسندگان بر اساس میانگین درآمد از دست‌رفته آنان در سه روش فوق معادل ۷۲٪ بوده است. میانگین درآمد از دست‌رفته سالانه در هر مسیر به ترتیب ۱۵۰۴۰۶۱۰۰ تومان، ۵۰۸۵۸۸۰۰ تومان و ۵۴۹۰۲۸۰۰ تومان و میانگین درآمد از دست‌رفته سالیانه آن‌ها در هر سه روش معادل ۱۰۷۷۳۰۴۰۰ بوده است.

۲.۵ تخمین تابع درآمد از دست‌رفته

پس از محاسبه میانگین جریمه درآمدی، نوبت به دست آوردن تابع درآمد از دست‌رفته نویسندگان است. از بین معادلات مختلف متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیون چندگانه - با بیشترین ضریب تعیین و تناسب با منطق تحقیق - عبارتند از:

- مبلغ هزینه‌های ضمنی
- تعداد ژانرهای کاری
- تعداد سال‌های تجربه
- مربع تعداد سال‌های تجربه
- تعداد عضویت در هیئت داوران جایزه‌های ادبی
- سطح تحصیلات (دیپلم=۱ فوق دیپلم=۲ لیسانس=۳ فوق لیسانس=۴ دکتری=۵)

جدول ۱ - نتایج رگرسیون خطی چندگانه: عوامل تعیین‌کننده درآمد از دست‌رفته نویسندگان پاسخ - گویان = ۹۱؛ ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۶۲۵؛ $F(۸, ۷۹) = ۱۹/۱۴۶$ ؛ $p < ۰/۰۰۱$

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	معناداری	ضریب بر حسب درصد
	B	خطای استاندارد	β			
(مقدار ثابت)	۳/۳۶۸	۰/۱۸۹		۱۷/۲۹۸	۰/۰۰۰ ***	-
هزینه ضمنی (ماهانه، میلیون تومان)	-۰/۴۰۰	۰/۰۹۱	-۰/۳۴۶	-۴/۴۱۶	۰/۰۰۰ ***	-۴۹/۱۸
سطح تحصیلات	۰/۱۱۱	۰/۰۲۹	۰/۲۸۲	۳/۸۵۹	۰/۰۰۰ ***	۱۱/۷۴
سال‌های تجربه	۰/۰۴۷	۰/۰۱۶	۰/۸۱۴	۲/۹۰۱	۰/۰۰۵ ***	۴/۸۱
مربع سال‌های تجربه	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۶۰۵	-۲/۱۱۱	۰/۰۳۸ **	-۰/۱۰
تعداد عضویت در هیئت داوران جایزه‌های ادبی	۰/۰۳۰	۰/۰۰۹	۰/۳۱۰	۳/۱۸۲	۰/۰۰۲ ***	۳/۰۵
ساعات کار در ماه	-۴/۸۰۳ E-۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۸	-۰/۱۱۶	۰/۹۰۸	-۰/۰۰
تعداد ژانرهای کاری	۰/۲۱۱	۰/۰۲۹	۰/۵۶۱	۷/۳۰۲	۰/۰۰۰ ***	۲۳/۴۹
مدت بیکاری (بر حسب ماه)	۷/۹۸۰ E-۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۵۱	۰/۹۶۰	۰/۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

** معنی داری در سطح ۵ درصد، *** معنی داری در سطح ۰/۱ درصد.

برآورد جریمة درآمدی و تابع درآمد ازدست‌رفته ... (حمیدرضا ششجوانی و دیگران) ۱۲۷

متغیرهای مستقل «تجربه»، «مربع تجربه» و «تحصیلات» (و سطوح آنها) براساس معادله درآمد (Mincer 1974) در الگو وارد شده است. متغیرهای «تعداد جوایز کسب شده» و «تعداد عضویت در هیات داوران جایزه‌های ادبی» بر اساس معادله درآمد میرصفیان، پیرنجم الدین و نژادانصاری (۱۳۹۸) و متغیرهای «هزینه‌های ضمنی» و «تعداد ژانرهای کاری» (Throsby & Zednik 2010, Pym, Grin, Sfredo, & Chan 2012) و نیز مشاهدات ما در بازار کار نویسندگان ایرانی در تحلیل رگرسیون چندگانه گنجانده شده‌اند. متغیر «مربع تعدادسال‌های تجربه» به منظور محاسبه هر گونه کاهش در اثر افزایش بالقوه تجربه بر متغیر وابسته، به رگرسیون وارد شده است. لگاریتم طبیعی متوسط درآمد از دست‌رفته نویسندگان ایرانی در سال ۹۹ این گونه بوده است:

$$\ln FG_{av} = 3.268 - 0.400 SC + 0.111 Ed + 0.047 Exp - 0.001 Exp^2 + 0.030 JM + 0.211 GD$$

که در آن:

متوسط درآمد از دست	تعداد سال‌های	تعداد ژانر کاری
FG_{av}	Exp	GD
رفته:	تجربه :	
هزینه‌ی ضمنی	سطح تحصیلات	تعداد عضویت در هیئت داوری
SC:	Ed:	JM
		جوایز ادبی :

متغیر وابسته در این رگرسیون میانگین درآمد از دست هریک از افراد است. با نگاه جدول شماره یک در می‌یابیم به شرط ثبات باقی متغیرها؛

- به ازای هر یک میلیون هزینه ضمنی در ماه ۴۹.۱۸٪ درآمد از دست‌رفته نویسندگان کاهش می‌یابد. نویسندگان حرفه‌ای عموماً هزینه‌های ضمنی بیشتری دارند به عبارت دیگر بیشتر خرج کارشان می‌کنند و طبیعتاً درآمد از دست‌رفته کم‌تری دارند.
- به ازای ارتقای یک سطح به تحصیلات نویسندگان، آنها ۱۱.۷۴٪ به درآمد از دست‌رفته‌شان اضافه می‌شود. این نکته بدان سبب است که سطح تحصیلات بالاتر در مشاغل غیرهنری درآمد بالاتری را نصیب افراد می‌کند. این نکته به خوبی درباره دبیران ادبیات دبیرستان‌ها و نیز کارکنان دولت صدق می‌کند.
- در مورد متغیر تجربه نیز باید گفت رابطه تجربه با درآمد از دست‌رفته از مربعی است و با افزایش تعداد سال تجربه درآمد از دست‌رفته افزایش پیدا می‌کند تا این

که سن تجربه به ۲۴ برسد و پس از آن با افزایش هر سال تجربه درآمد از دست رفته کاهش می‌یابد.

- در ازای هر یک‌بار عضویت بیش‌تر در هیئت‌های داوری جوایز ادبی ۳۰۵٪ به درآمد از دست رفته نویسندگان اضافه می‌شود در توضیح این وضعیت باید خاطر نشان ساخت که اولاً در دهه گذشته تعداد جوایز ادبی به صورت چشم‌گیری افزایش پیدا کرده و نویسندگان جوان هم این فرصت را یافته‌اند تا در هیئت‌های داوری بیش‌تری پذیرفته شوند و درست به همین دلیل میزان مشروعیت نمادین این جوایز به شدت کاسته شده است به همین دلیل نویسنده‌های سرشناس تمایلی به عضویت در این هیئت‌های داوری ندارند.

- با اضافه شدن یک ژانر به تعداد ژانرهایی که نویسنده در آن‌ها می‌نویسد، ۲۳٪ به درآمد از دست رفته نویسندگان اضافه می‌شود. نویسندگان حرفه‌ای ترجیح می‌دهند در یک یا دو ژانر طبع‌آزمایی کنند مثلاً ژانر پلیسی یا عاشقانه و از نوشتن برای نوجوانان یا طنز خودداری می‌کنند.

- دو متغیر ساعات کار در ماه و مدت بیکاری - که در سایر مطالعات به عنوان متغیر تعیین کننده گزارش شده بودند - با درآمد از دست رفته رابطه آماری درخور توجهی وجود نداشت.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بحث‌های مقدماتی این نوشته آمد جریمه درآمدی تفاوت میان درآمد نویسندگان با مشاغل همتایی است که می‌توانستند داشته باشند. اگرچه جریمه درآمدی در شغل‌های دیگر هم وجود دارد اما در مورد هنرمندان و بالتبع نویسندگان به طرز استثنایی بالاتر از سایر مشاغل است و به یکی از ویژگی‌های ثابت بازار کار هنرمندان تبدیل شده است. برخی از اقتصاددانان بر این باورند که جریمه درآمدی «یارانه پنهان»ی است که هنرمندان به دنیای فرهنگ می‌پردازند (Withers 1985: 291-295).

در این مطالعه سه روش برای برآورد جریمه درآمدی نویسندگان به کار رفته است روش نخست محاسبه بر اساس اظهارات نویسندگان، روش دوم محاسبه بر مبنای میانگین درآمد سالانه کارکنان دولت و روش سوم بر اساس میانگین درآمد سالانه معلمان ادبیات در

برآورد جریمه درآمدی و تابع درآمد ازدست‌رفته ... (حمیدرضا ششجوانی و دیگران) ۱۳۹

دبیرستان‌های کشور بود. میانگین جریمه درآمدی نویسندگان در سال ۱۳۹۹ مطابق هر سه روش به ترتیب ۸۰٪، ۶۲٪ و ۶۴٪ برآورد شد. میانگین جریمه درآمدی از هر سه روش نیز معادل ۷۲٪ به دست آمد. این یافته‌ها تا حدی مطالعات پیشین (Kretschmer & Hardwick 2007, Abbing 2003, Mirsafian, Pirnajmudein, & Nejadansari 2020) را تأیید می‌کند. محدوده مجازات درآمدی در این تحقیق بین ۶۲٪ تا ۸۰٪ برآورد شده است که معادل ۵۱ تا ۱۵۰ میلیون تومان درآمد از دست رفته در سال است. به عبارت دیگر نویسندگان در ازای به دست آوردن رضایت ناشی از پاداش‌های غیر پولی حاضرند از این مبلغ سالیانه چشم‌پوشی کنند.

در مقایسه میان میزان جریمه درآمدی حاصل از تحقیق حاضر با سایر مطالعات مهم در ادبیات موضوع باید گفت که به جز یک مورد - که روش‌شناسی متفاوتی نسبت به سایر مطالعات دارد (ایبینگ درآمد هنرمندان را با میانگین درآمد نیروی کار مقایسه نکرده) - از باقی مطالعات جریمه درآمدی بالاتری را به دست داده است. نزدیک‌ترین گزارش‌ها مطالعه (Alper & Wassall 2006) و (Mirsafian, Pirnajmudein, & Nejadansari 2020) بوده است.

محقق	کشور	سال	حداکثر جریمه درآمدی به درصد
Panasuk	کانادا	۱۹۷۴	۶
NEA	ایالات متحد	۱۹۸۱	۳۸.۵
Withers	استرالیا	۱۹۸۵	۴۲
Abbing	هلند	۲۰۰۳	۱۰۰
Alper & Wassall	ایالات متحد	۲۰۰۶	۵۱
Kretschmer & Hardwick	انگلستان	۲۰۰۷	۳۳
	آلمان		۵۰
Mirsafian et al.	ایران	۲۰۱۸	۶۵

ابزارهای مداخله حاکمیت در بازار کار نویسندگان چه بودجه‌ای باشد، چه تنظیمی در بسیاری مواقع نظام‌مند و اندیشیده نیست و به گونه‌ای اقتضایی اعمال می‌شود. این مداخلات در برخی موارد نه تنها منجر به توسعه و رونق اقتصادی این بخش نشده‌اند بلکه به دلیل جایگاه مرکزی هنر و ادبیات (Throsby 2008: 150)، بر سایر بخش‌ها در درزیست-نظام صنایع خلاق اثرات اشتقاقی منفی گذاشته است. از این رو سازگاری سیاست‌ها با بازار کار نویسندگان ادبی اهمیت دارد. با توجه به این که تنها ۲٪ پارانه‌های اختصاصی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای پدیدآوردن‌گان در نظر گرفته شده (ششجوانی، ۱۳۹۵، ۱۰۸)،

توجه به جریمه بالای درآمدی نویسندگان می تواند به بهبود نظام تخصیص یارانه ها منجر شود.

پی نوشتها

۱. ثرو می نویسد «گاهی اوقات تغییرات شغلی منطقی ترین اقتصاددانها را هم نمی توان تنها بر اساس بیشینه کردن درآمد توضیح داد» (Thurow 1981: 183)
۲. Authorship Side Cost مجموع هزینه هایی است که نویسنده برای نوشتن اثرش متحمل می شود. هزینه هایی نظیر سفر به محل ماجراها، جستجو در اینترنت، خرید کتابهای مرتبط یا مصاحبه با متخصصانی نظیر روانکاوها و...

کتابنامه

- ششجوانی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، *سیاست گذاری اقتصادی بخش فرهنگ*، تهران: مرکز توسعه صنایع فرهنگی و خلاق کاسیما.
- ششجوانی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، *ارزیابی و بازنگری نظام یارانه دهی کتاب و مطبوعات*، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میرصفیان، لیلا و حسین پیرنجم الدین و داریوش نژادانصاری (۱۳۹۸)، «برآورد تابع درآمدی مترجمان ادبی ایران»، *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، س ۶، ش ۱، ۲۵۳-۲۷۳.

- Abbing, H. (2003). Support for artists. In R. Towse, *A handbook of cultural economics* (pp. 437-444). Cheltenham: Edward Elgar.
- Alper, N. O., & Wassall, G. H. (2006). Artists' careers and their labor markets. In V. Ginsburgh, & D. Throsby, *Handbook of the Economics of Art and Culture, Volume 1* (pp. 813-864). Amsterdam: Elsevier North-Holland. doi:10.1016/S1574-0676(06)01023-4
- Baumol, W., & Throsby, D. (2012) *Psychic Payoffs, Overpriced Assets, and Underpaid Superstars*. *Kyklos* 65:3, pages 313-326.
- Benhamou, F. (2011). Artists' labour markets. In R. Towse, *A handbook of cultural economics, second Edition* (pp. 53-58). Cheltenham: Edward Elgar.
- Bille, T., Mignosa, A., & Towse, R. (2020). *Teaching Cultural Economics*. Cheltenham: Edward Elgar.
- Filer, R. k. (1986). The "Starving Artist"--Myth or Reality? Earnings of Artists in the United States. *Journal of Political Economy*, Vol. 94, No. 1, 56-75.
- Frey BS, G. J. (2017). *Honours versus money. The economics of awards*. Oxford: Oxford University Press.

برآورد جریمة درآمدی و تابع درآمد ازدست‌رفته ... (حمیدرضا ششجوانی و دیگران) ۱۳۱

- Johnson, R. A., & Bhattacharyya, G. K. (2009). *Statistics: principles and methods*. Hoboken: John Wiley & Sons.
- Katz, E., & Syrquin, M. (1982) The Failure of Psychic Income as a Source of Market Failure, *Journal of Post Keynesian Economics*, Vol 4, - Issue 4, 623-627.
- Kretschmer, M., & Hardwick, P. (2007). *Authors' earnings from copyright and non-copyright sources: A survey of 25,000 British and German writers*. Bournemouth: Bournemouth University, Centre for Intellectual Property Policy & Management (CIPPM).
- MacDonald, G. (1988). The economics of rising stars. *American Economic Review* 78, 155–166.
- Menger, P.-M. (2006). Artistic labor markets: contingent work, excess supply and occupational risk management. In V. Ginsburgh, & D. Throsby, *Handbook of the economics of art and culture, volume 1* (pp. 765-811). Amsterdam: Elsevier North-Holland. doi:10.1016/S1574-0676(06)01022-2
- Mincer, J. (1974). *Schooling, Experience and Earnings*. New York: National Bureau of Economic Research.
- Mirsafian, I., Pirnajmudein, H., & Nejadansari, D. (2020). Estimating literary translators' earnings penalty: A cultural economics approach towards translator studies. *Target: International Journal of Translation Studies*, No 33, 56-71.
- NEA. (1981). *Artists Compared by Age, Sex and Earnings in 1970 and 1976. Research Division Report no. 12*. New York. Newyork: National Foundation on the Arts and Humanities.
- Panasuk, C. (1974). *An Analysis of Selected Performing Arts Occupations. Canada Council for the Select Comm. Ottawa*. Ottawa: Canada Council for Art.
- Popovic, M., & Ratkovic, K. (2013). Oversupply of Labor and Other Peculiarities of Arts Labor Market. *Theoretical and Practical Research in the Economic Fields, Vol 4 No 2 (2013): Volume IV Issue 2(8) Winter*, 203-228.
- Pym, A., Grin, F., Sfreddo, C., & Chan, A. (2012). *The status of the translation profession in the European Union*. European Commission. doi:10.2782/63429
- Rengers, M. (2002) *Economic Lives of Artists; Studies into Careers and the Labour Market in the Cultural Sector*. Utrecht: Utrecht University
- Smith, A. (1779/2020). *An Inquiry Into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. Independently published.
- Throsby, D. (2008). The concentric circles model of the cultural industries. *Cultural Trends*, 17:3, 147-164.
- Throsby, D., & Petetskaya, K. (2017). *Making Art Work: A Summary and Response*. Sydney: Australia Council for the Arts.
- Throsby, D., & Zednik, A. (2010). *Do you really expect to get paid?* Australia Council for the Arts: Australia Council for the Arts. Retrieved from http://www.australiacouncil.gov.au/workspace/uploads/files/research/do_you_really_expect_to_get_pa-54325a3748d81.pdf
- Thurow, L. C. (1981), Psychic Income: A Market Failure, *Journal of Post Keynesian Economics* Vol 3, No 2, 183-93.
- Towse, R. (2010). *A textbook of cultural economics*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Towse, R. (2014). *Advanced introduction to cultural economics*. Edward Elgar. Cheltenham: Edward Elgar.
- Towse, R., & Navarrete, T. (2020). *Handbook of Cultural Economics, Third Edition*. Cheltenham: Edward Elgar.
- Withers, G. (1985, December). Artists' subsidy of the arts. *Australian Economic Papers*, 24(45), 290–295. doi:10.1111/j.1467-8454.1985.tb00117.x